



پیش‌ها و پانچ‌ها

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌ها شیخ خیرالدين حفظه الله تعالى

موضوع:

۱. احکام؛ مشاغل و مکاسب حرام
۲. احکام؛ زکات، خمس، صدقه و وقف

بسم الله الرحمن الرحيم

پرسش

نویسنده: وحید

تاریخ: ۱۳۹۵/۲/۴

نظر علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی، در مورد گنج‌های زیر زمینی چیست؟ به عبارت دیگر، حکم دست یافتن به چنین گنج‌هایی چیست؟

پاسخ

تاریخ: ۱۳۹۵/۲/۹

«گنج» در اصطلاح به هر مال ارزشمندی گفته می‌شود که در زمین پنهان شده و مالک آن ناشناخته است و این در حالی است که انباشتن و پنهان ساختن مال به جای هزینه کردن آن در راه خداوند جایز نیست؛ چنانکه فرموده است: ﴿وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ۖ يَوْمَ يُخْمَىٰ عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فُتُكْوَىٰ بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنَزْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ﴾^۱؛ «و کسانی که طلا و نقره را انباشته و پنهان می‌سازند و در راه خداوند هزینه نمی‌کنند، آنان را به عذابی دردناک بشارت ده؛ روزی که آن را در آتش گداخته می‌کنند و پیشانی‌ها و پهلوها و پشت‌هاشان را با آن داغ می‌نهند، این چیزی است که برای خود انباشته و پنهان ساختید، پس چیزی که برای خود انباشته و پنهان می‌ساختید را بچشید»، مگر در مواقعی که ضرورتی عقلایی و شرعی مانند حفظ مال از ظالم اقتضا می‌کند؛ چنانکه خداوند در داستان موسی و خضر علیهما السلام فرموده است: ﴿وَأَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ فِي الْمَدِينَةِ وَكَانَ تَحْتَهُ كَنْزٌ لَهُمَا وَكَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا فَأَرَادَ رَبُّكَ أَنْ يَبْلُغَا أَشُدَّهُمَا وَيَسْتَخْرِجَا كَنْزَهُمَا رَحْمَةً مِن رَّبِّكَ﴾^۲؛ «و اما دیوار (که آن را بدون اجرت تعمیر کردم) برای دو پسر بچه‌ی یتیم در شهر بود که زیر آن گنجی برای آن دو قرار داشت و پدر آن دو مردی صالح بود، پس پروردگارت خواست که آن دو به رشد خود برسند و گنجشان را بیرون آورند به رحمتی از پروردگارت». با این حال،

۱. التوبة / ۳۴ و ۳۵

۲. الکهف / ۸۲

جستجوی گنج که برخی از مردم را به خود مشغول ساخته، جستجویی بر بنیاد آرزوهای دور و به امید معصیت گذشتگان است که کاری غیر عقلایی شمرده می‌شود؛ چنانکه یکی از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

«سَمِعْتُ الْمَنْصُورَ يَقُولُ: طَلَبُ الْكَنْزِ سَفَاهَةٌ»^۱؛ «شنیدم منصور می‌فرماید: جستجوی گنج سفاقت است!».

اما اگر کسی -خواه در اثر جستجو و خواه در اثر اتفاق- آن را بیابد، مال مغتنمی را یافته و مکلف به پرداخت خمس آن است؛ چراکه خداوند فرموده است: «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَأَنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ»^۲؛ «بدانید هر چیزی که مغتنم یابید، بی‌گمان خمس آن برای خداوند و برای پیامبر و برای نزدیکانش و یتیمان و مسکینان و در راه ماندگان است» و «هر چیزی که مغتنم یابید» شامل هر فایده‌ی مالی فوق العاده و دور از انتظاری مانند گنج، معدن و غنیمت جنگی می‌شود؛ چنانکه یکی از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

«كَانَ لِي صَدِيقٌ مِنْ أَهْلِ بَامِيَانَ وَكَانَ يَبْحَثُ عَنِ الْكَنْزِ فَدَعَانِي إِلَىٰ ذَلِكَ عَلَىٰ أَنْ يَكُونَ لِي نَصْفُهُ فَقُلْتُ: حَتَّىٰ أَسْأَلَ الْمَنْصُورَ، فَكَتَبْتُ إِلَيْهِ أَسْأَلُهُ عَنْ ذَلِكَ فَكَتَبَ إِلَيَّ بِحُطَّهِ: لَا يَبْحَثُ عَنِ الْكَنْزِ إِلَّا سَفِيهٌ وَمَنْ وَجَدَهُ فَلْيُؤَدِّ خُمُسَهُ فَإِنَّهُ مِنَ الْغَنِيمَةِ»^۳؛ «دوستی از اهل بامیان داشتم که در پی گنج می‌گشت، پس من را نیز به این کار دعوت کرد در ازای اینکه نصف آن برای من باشد، پس گفتم: باید از منصور بپرسم، پس نامه‌ای برای آن جناب نوشتم و درباره‌ی این کار از او پرسیدم، پس برای من با خط خود نوشت: جز سفیه در پی گنج نمی‌گردد و هر کس که آن را بیابد باید خمس آن را بپردازد؛ چراکه آن از غنیمت است».

آری، اگر گنج مالی باشد که حفظ آن برای عموم مسلمانان مصلحتی دارد، خلیفه‌ی خداوند در زمین می‌تواند آن را از یابنده‌اش بخرد یا اجاره کند یا ودیعه بگیرد تا در ید خود نگاه دارد و اگر یابنده‌اش راضی به این کار نمی‌شود و حفظ گنج برای مسلمانان ضرورتی دارد، خلیفه‌ی خداوند در زمین می‌تواند او را به فروش یا اجاره یا ودیعه‌ی آن مجبور کند؛ چراکه خلیفه‌ی خداوند در زمین به مسلمانان از خودشان سزاوارتر است و آنان را در برابر امر او اختیاری نیست؛ چنانکه خداوند فرموده است: «النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ»^۴؛ «پیامبر به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است»

۱. گفتار ۸۸، فقره‌ی ۱

۲. الأنفال / ۴۱

۳. گفتار ۸۸، فقره‌ی ۲

۴. الأحزاب / ۶

و فرموده است: «وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ»^۱؛ «و هیچ مرد و زن مؤمنی را نمی‌رسد که چون خداوند و پیامبرش امری را صادر کردند برایشان اختیاری در کارشان باشد»؛ خصوصاً اگر یابنده‌ی چنین گنجی در اثر اتفاق آن را نیافته باشد، بلکه در اثر جستجو آن را یافته باشد؛ چراکه در این صورت - بنا بر نظر حضرت منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی - سفیه شمرده می‌شود و سفیه از تصرف در اموال محجور است؛ چنانکه خداوند فرموده است: «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا»^۲؛ «و اموالتان که خداوند برایتان پشتوانه‌ای قرار داده است را به سفیهان نسپارید و آنان را از آن بخورانید و پیوشانید و به آنان سخنی شایسته بگویید».



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌هاشمی خراسانی
مجله مجتبیای حکم‌هاشمی خراسانی



۱. الأحزاب / ۳۶

۲. النساء / ۵